

The Impact of Fundamentalism on Security in Central Asia

Mashallah Haidarpour¹

Hossein Faqih Abdullahi²

Abstract

The popularity of extremist groups in Central Asia is renewing and strengthening. The growth of terrorist groups can pose a serious threat to Central Asian countries and regional security mechanisms. What is the security of Central Asia? The paper hypothesizes that the reasons for the rise of extremism in Central Asia include the idea of opposition to secularism, foreign support, the role of the media, weak civil society, ethnic conflicts, economic problems, and the consequences of the rise of extremism in Central Asia. In Central Asia, and the fear of their return to their homeland, the increase in the activities of terrorist groups in Central Asia is strengthening the connection of extremists with each other in the region and beyond.

Keywords: Central Asia, Security, Fundamentalism, Terrorism, ISIS

¹ Assistant Professor of International Relations, Islamic Azad University, Qom Branch, Iran
Mashallah.heidarpour@gmail.com

² Master of Regional Studies in the Middle East and North Africa Mofid University, Qom, Iran.
H.mohaghegh1992@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

Knowledge of political interpretation

Vol 3, No 10, Winter 2022

ppt 187-203

دانش تفسیر سیاسی

سال سوم، شماره ۱۰، زمستان ۱۴۰۰

صفحات ۱۸۷-۲۰۳

تأثیر بنیادگرایی بر امنیت در آسیای مرکزی

ماشالله حیدر پور^۱

حسین فقیه عبدالهی^۲

چکیده

محبوبیت گروه‌های افراطی در آسیای مرکزی در حال تجدید و تقویت است. رشد گروه‌های تروریستی می‌تواند به کشورهای آسیای مرکزی و سازوکارهای امنیتی منطقه‌ای تهدیدات جدی وارد سازد از همین رو این پژوهش گردآوری شده به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به این پرسش است که علل رشد و تقویت بنیادگرایی و تأثیر آن بر امنیت آسیای مرکزی چیست؟ فرضیه مقاله این است که با توجه به دلایل تقویت افراط‌گرایی در آسیای مرکزی شامل مواردی چون اندیشه مخالفت با سکولاریسم، حمایت‌های خارجی، نقش رسانه‌ها، جامعه مدنی ضعیف وجود درگیری‌های قومی، مشکلات اقتصادی بوده و از پیامدهای تقویت افراط‌گرایی در آسیای مرکزی حضور افراط‌گرایان در آسیای مرکزی و نگرانی از بازگشت آنها به کشور خود، افزایش فعالیت گروه‌های تروریستی در آسیای مرکزی تقویت پیوند افراط‌گرایان با یکدیگر در منطقه و فرامنطقه است.

واژگان کلیدی: آسیای مرکزی، امنیت، بنیادگرایی، تروریسم، داعش

^۱ استادیار روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران (نویسنده مسئول)

Mashallah.heidarpour@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

مقدمه

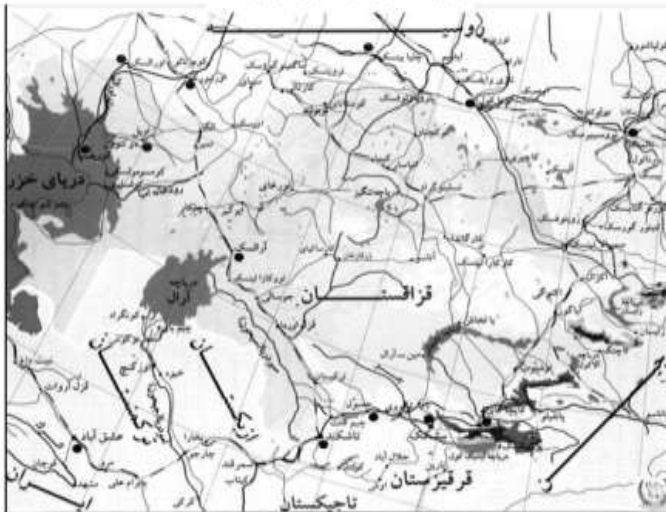
با فروپاشی شوروی و خلأ قدرت و ایدئولوژیک به وجود آمده در منطقه، یکی از اقدامات اساسی مسلمانان برای احیاء و تثبیت هویت خود توسل به سلفی گری شد. در این میان یکی از دلایل گرایش به گروه‌های به اصطلاح جهادی در این منطقه ریشه در عدم اجابت مطالبات سیاسی و اجتماعی است که جذب نیرو از آسیای مرکزی توسط داعش رو میسر کرد. داعش برای مجموعه‌ای از به اصطلاح جهادی‌ها و هواداران در منطقه آسیای مرکزی جذاب بوده و توانسته است تا شبکه ارتباطی در دوران این منطقه و مناطق هم‌جوار تقویت کند. علی‌رغم اینکه کشورهای آسیای مرکزی و نهادهای امنیتی منطقه‌ای از این قبیل تهدیدها برای تقویت دستور کار سیاسی و محدود ساختن آزادی‌های مدنی استفاده می‌کنند ولی بازهم می‌توان این مسئله ریشه‌کن نشده است. به این ترتیب منطقه آسیای مرکزی به لحاظ ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری به صورت بالقوه و بالفعل قابلیت تبدیل به مرکزی برای پذیرش باورهای دینی و به دنبال آن ترویج افراط‌گرایی و تبدیل شدن به خاستگاه افراطی‌گری برخوردار بوده است و در این منطقه جنبش‌های اسلام‌گرا و بنیادگرای افراطی مستعد جذب عضو است.

از همین رو این پژوهش گردآوری شده به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به این پرسش است که علل رشد و تقویت بنیادگرایی و تأثیر آن بر امنیت آسیای مرکزی چیست؟ فرضیه مقاله این است که با توجه به دلایل تقویت افراط‌گرایی در آسیای مرکزی شامل مواردی چون اندیشه مخالفت با سکولاریسم، حمایت‌های خارجی، نقش رسانه‌ها، جامعه مدنی ضعیف وجود درگیری‌های قومی، مشکلات اقتصادی بوده و از پیامدهای تقویت افراط‌گرایی در آسیای مرکزی حضور افراط‌گرایان در آسیای مرکزی و نگرانی از بازگشت آنها به کشور خود، افزایش فعالیت گروه‌های تروریستی در آسیای مرکزی تقویت پیوند افراط‌گرایان با یکدیگر در منطقه و فرامنطقه است.

آسیای مرکزی و امنیت آن

سرزمین آسیای مرکزی شامل پنج کشور قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان با وسعتی در حدود ۴ میلیون کیلومتر مربع و جمعیتی بیش از ۶۰ میلیون است که بیش از سه چهارم آن مسلمان (سنی و حنفی مذهب) هستند. این منطقه از شمال به روسیه، جنوب به افغانستان و ایران، از غرب به دریای خزر و از شرق به چین محدود می‌شود. کشورهای آسیای مرکزی ویژگی‌های مشترکی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱- این کشورها محل تقاطع اروپا در غرب و آسیا در شرق قرار گرفته‌اند. از جنوب به جهان اسلام متصل هستند. ۲- این کشورها با فرهنگ ترکی و اسلامی پیوند تاریخی دارند. ۳- منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز و فلزات گران‌بها دارند. ۴- این کشورها نقش پل ارتباطی میان اروپا و آسیا را بازی می‌کنند. در کنار این برتری‌ها کشورهای آسیای مرکزی با مشکلاتی روبرو هستند از جمله: ناکارآمدی فرآیند دولت-ملت‌سازی؛ اختلافات ارضی و مرزی؛ تنوع قومی و قبیله‌ای؛ جنگ‌های داخلی و نداشتن دسترسی به آب‌های گرم بین‌المللی و محصور بودن در خشکی. از جمله مشکلات مشترک آن‌ها نیز آسیب‌پذیری امنیتی است (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳).

موقعیت کشورهای آسیای مرکزی



گرچه در کنار رقابت‌ها، اختلاف‌ها، تفاوت‌های منافع استراتژیک و نگرش‌های گوناگون امنیتی ظاهراً مقابله و برخورد با تهدیدات تروریستی، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی عمده‌ترین موضوعاتی هستند که نسبت به آن در میان تمامی کشورهای منطقه و نیز قدرت‌های خارجی بازیگر در منطقه اشتراک نظر وجود دارد و چارچوب‌هایی برای همکاری در این زمینه نیز به وجود آمده است؛ اما این همکاری‌ها نمی‌تواند عامل عمده تأمین‌کننده ثبات و حفظ امنیت در منطقه باشد و امنیت منطقه همچنان در گرو رقابت‌های قدرت‌های خارجی برای افزایش نفوذ بیشتر و در همان حال تعریف نسبتاً سیال کشورهای منطقه از منافع ملی و ملاحظات امنیتی آنان خواهد بود. وادی فرغانه منطقه‌ای است که برهم خوردن ثبات و امنیت آن کل آسیای مرکزی را تأثیرپذیر می‌کند چراکه بخش زیادی از قلمرو ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان متعلق به این وادی است.

طی چندین سال بعد از استقلال کشورهای منطقه وادی فرغانه از کانون‌های بالفعل افراطی‌گرایی مذهبی دانسته می‌شود. بیشتر سازمان‌ها و جریان‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد یا در وادی فرغانه ایجاد شده‌اند و یا پیروانشان عمدتاً در این مناطق به سر می‌برند. هنوز در نیمه دوم دهه ۹۰ اعضای حرکت اسلامی ازبکستان در اردوگاه‌های موجود در چین دوره‌های مقدماتی را سپری و در جنگ علیه نیروهای دولتی روسیه نیز شرکت می‌کردند. بر اساس اطلاع موجود حداقل حدود ۴۰۰ نفر از شبه‌نظامیان حرکت اسلامی ازبکستان در اردوگاه‌های نظامی چین از سوی مربی‌های عربی و غالباً سلفی آموزش و تمرینات دیدند. چنانچه حضور اعضای این سازمان در درگیری‌های افغانستان و پاکستان طی بیش از یک دهه اخیر را نیز در نظر بگیریم، به این نتیجه خواهیم رسید که از لحاظ رزمی با تجربه‌ترین شبه‌نظامیان منطقه متعلق به ازبکستان می‌باشند که این موضوع نمی‌تواند موجب نگرانی تاشکند نباشد.

دلایل تقویت افراط‌گرایی در آسیای مرکزی

در ادامه دلایل تقویت افراط‌گرایی در آسیای مرکزی آمده است:

۱- مشکلات اقتصادی

همه کشورهای آسیای مرکزی از حاکمیت ضعیف و فساد رنج می‌برند. هیچ‌یک از این پنج کشور به‌ویژه در مناطق روستایی خدمات رفاه اجتماعی مناسب ارائه نکرده‌اند. سرویس‌های امنیتی این کشورها گرایش به استفاده از شیوه‌های خشن دارند و در مجموع قادر به رفع چالش پیچیده ناشی از داعش نیستند (صمدی، ۱۳۸۹: ۲۳). عوامل اجتماعی-اقتصادی، تعهد ایدئولوژیکی به به‌اصطلاح جهاد و ایده جنگ مقدس برای پیشبرد اسلام، از جمله دلایل اصلی گرایش مردم آسیای مرکزی به داعش است. پیوستن برخی‌ها به گروه‌های افراطی ناشی از تبعیض دولتی، مذهبی، قومی و یا هر دو آن‌هاست. در سراسر آسیای مرکزی افراد و جوامع مذهبی به‌واسطه قوانین سخت‌گیرانه حاکم بر فعالیت مذهبی و بازرسی‌های مستمر امنیتی به حاشیه رانده می‌شوند. به‌طور کلی، بیزاری از آموزش دولتی سکولار، آموزش مذهبی ضعیف و رد کلی دین توسط دولت، مگر دین سنتی مجاز و مورد قبول کشورهای آسیای مرکزی، از جمله عوامل اصلی سوق یافتن جوانان به سمت افراطی‌گری است. برخی مهاجران به امید اینکه داعش برای آن‌ها آموزش کامل اسلامی فراهم نماید، به این دولت می‌پیوندند.

۲- وجود درگیری‌های قومی

فروپاشی شوروی نشان داد که در جامعه شوروی هرگز رویکرد مبتنی بر همجوشی ملیت‌ها منجر به ایجاد فرایندی منتهی به وفاق اجتماعی نشد و به‌عبارت‌دیگر این همجوشی در نطفه عقیم ماند. این امر موجب به وجود آمدن بحران همبستگی شد که خود موجب ایجاد شکنندگی در مرزهای سیاسی و گسست در استمرار حیات دولت - ملت شد که تجلی عینی آن را می‌توانیم در مطالبات و منازعات قومی، محلی، جدایی‌طلبی‌ها و تمایلات واگرایانه (پس از فروپاشی) شاهد باشیم (کاظمی و نظامی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). باید گفت در حوزه

فرهنگی، حل نشدن معمای هویت در آسیای مرکزی، تضادهای فرهنگی و قومی و بنیادگرایی اسلامی از جمله عواملی است که به عنوان چالش پیش روی جمهوری‌های آسیای مرکزی قرار دارد (Aftabir, 1389). برای مثال درگیری‌های قومی سال ۲۰۱۰ جنوب قرقیزستان برای جریان‌های افراطی و از جمله سلفیت جهادی فرصت فراهم کرد تا از شمار آن‌ها تعداد پیروان خود را افزایش دهند. اتحاد جهاد اسلامی که طی بیش از یک دهه اخیر به صورت عمده در منطقه وزیرستان مستقر است، با انجام تعدادی از انفجارات و اقدامات انتحاری در ازبکستان، افغانستان و پاکستان نام خود را در فهرست سازمان‌های تروریستی به ثبت رسانده است. (Farsnews, 1392). طبق اطلاع سازمان امنیت ملی ازبکستان بیشتر اتباع این کشور و همچنین سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی از سوی عوامل جبهه النصره و اتحاد جهاد اسلامی برای جنگ علیه سوریه جلب می‌شوند. از انگیزه‌های مهم برای متمایل شدن اتباع منطقه به گروه‌های تروریستی داعش در سوریه این است که در پی درگیری‌های مسلحانه قومی سال ۲۰۱۰ قرقیزستان تعداد بالایی از ازبک‌تباران مقیم مناطق جنوبی این کشور مورد پیگرد قرار گرفتند که عوامل گروه‌های تروریستی و جریان‌های انحرافی مذهبی و به طور خاص سلفیت جهادی و تکفیری از این فرصت استفاده به عمل آورده و به نوعی ضمانت امنیت آن‌ها را دادند. هم‌چنین ازبکستان نیز به مانند تاجیکستان کشوری است ساختگی با مرزهای مصنوعی که بیش از ۱۲۰ قوم و قبیله مختلف را در خود جای داده است. در تاجیکستان، پس از ایجاد خلأ قدرت شوروی تاجیک‌هایی که همیشه در مناسبات اقتصادی و سیاسی توسط ازبک‌های خجندی و با دست حمایتگر و تفرقه‌انداز شوروی از تعیین سرنوشت خود دورنگه داشته شده بودند برای کسب قدرت سیاسی و به دنبال آن منافع اقتصادی وارد عرصه رقابت شدند که در نهایت به جنگ داخلی تاجیکستان منتهی شد. به عبارت دیگر می‌توان خشونت و منازعه سیاسی تاجیکستان را در راستای استعمار ده‌ساله تاجیک‌ها توسط ازبک‌ها و روس‌ها مورد تحلیل قرارداد. چراکه ازبک‌ها سال‌ها تفوق قدرت سیاسی و منافع اقتصادی این کشور را در دست داشتند (کاظمی و نظامی، ۱۳۹۰: ۱۲۱-۱۲۰)؛ بنابراین در این فرایند است که پس از

فروپاشی، اقوام و طایفه‌ها و گروه‌های مختلف سعی داشتند که به حداکثر نفوذ و قدرت دست یابند.

۳- جامعه مدنی ضعیف

در آسیای مرکزی سیاست حول محور اشخاص و طایفه می‌چرخد تا اینکه بر محور جامعه مدنی و آحاد افراد جامعه مدنی باشد. در حالی که جهان به دلیل جهانی شدن دچار بحران هویت بوده، آسیای مرکزی نه تنها به دلیل جهانی شدن، بلکه به دلیل روند ملت‌سازی دچار بحران هویت است. از طرفی ویژگی غلبه نظام پیشین و پویش برای شکل‌گیری نظام جدید در سه طرح متأثر از هم آشکار شده است: ۱. جنبش نظام سوسیالیستی شوروی در شکل کاپیتالیسم غربی، ۲. ایجاد دولت و حکومت جدید ۳. روند همبستگی ملی.

۴- اندیشه مخالفت با سکولاریسم

در خصوص تقویت بنیادگرایی دینی باید گفت هر چند نظریه‌پردازان مدرنیزاسیون و سکولاریزاسیون معتقدند که مدرنیته مذهب را به‌عنوان یک عامل بدوی که اهمیت سیاسی و اجتماعی آن به تدریج در حال محو شدن است، جا انداخته، آنچه در محیط عمل با آن مواجه هستیم دال بر آن دارد که مدرنیزاسیون نه تنها از یکسو باعث افول مذهب شده بلکه از سوی دیگر باعث تجدید حیات دوباره آن شده است.

فاکس و سندلر^۱ در بیان علل این پدیده به ده علت اشاره می‌کنند که عبارت‌اند از:

- ۱- در بسیاری از کشورها تلاش برای مدرنیزاسیون جامعه با شکست مواجه شده است و این دلیل واکنش منفی باریشه مذهبی به ایدئولوژی سکولار غربی بوده است.
- ۲- به علت پدیده استعمارگری و استعمار فرهنگی، عقاید سکولار غربی بیگانه و نامشروع قلمداد شده و تنها مذهب به‌عنوان مبنایی برای مشروعیت باقیمانده است.

¹ Jonathan Fox; Shmuel Sandler

۳- مدرنیزاسیون عواملی چون شیوه زندگی سنتی ارزش‌های عام و اخلاقیات را که مبتنی بر مذهب هستند را تحلیل کرده که همین خود واکنش منفی مذهبی را به مدرنیته در پی داشته است.

۴- مدرنیزاسیون با دادن آزادی عمل بیشتر به دولت و نهادهای مذهبی باعث تنش و درگیری بین مذهب و مدرنیته شده است. ۵- عموم مردم در نظام سیاسی نوین فرصت بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی دارند که این امر باعث می‌شود تا بخش‌های مذهبی جامعه فرصتی برای اعمال نظرات خود بر دیگران داشته باشند.

۶- وسایل ارتباط جدید به کمک گروه‌های مذهبی آمده و به آن‌ها در اشاعه بهتر افکار خود کمک می‌کنند.

۷- گرایشی جدید در جامعه‌شناسی دین که انتخاب عقلانی یا تئوری اقتصادی مذهب است بیان می‌کند که آزادی انتخاب مذهب در بسیاری از جوامع پیشرفته باعث افزایش گرایش به مذهب شده است.

۸- سازمان‌های مذهبی نوین در فعالیت‌های سیاسی نقش دارند. به‌طور کلی بسیج سیاسی به تشکیلات و سازمان‌ها نیاز دارد و نهادهای مذهبی که به رسانه‌ها، بودجه‌های قابل توجه و شبکه‌های ارتباطی بین‌المللی دسترسی دارند برای این مقصود مناسب‌تر است.

۹- در بسیاری از رژیم‌های غیر دموکراتیک حالت محافظه‌کارانه نهادهای مذهبی موجب می‌شود که این نهادها تنها اشکال مجازی باشند که مردم اجازه سازمان‌دهی آن‌ها را ندارند.

۱۰- مدرنیته در آن دسته از مذاهب اصلی و غالب که جهانی‌تر شده‌اند، بیشتر باعث سکولاریزه شدن بخش‌های اقتصاد مذهبی شده است. این شرایط باعث ایجاد تمایل متقابل در قسمت‌های دیگر بازار مذهبی می‌شود، زیرا تقاضای رو به افزایشی برای مذاهب کمتر جهانی شده وجود دارد (جوان پور هروی و محقق، ۱۳۹۹: ۱۷۹-۱۷۸). باید گفت مقابله اسلام‌گرایان با رژیم‌های سکولار در آسیای مرکزی، رخدادهای تازه‌ای نیست. در اوایل سده بیستم هنگامی که تزار می-کوشید تا مسلمانان آسیای میانه را برای جنگیدن به نفع روسیه در جنگ جهانی اول بسیج کند،

اسلام‌گرایان با حکومت تزاری به نبرد پرداختند. پس از انقلاب بلشویکی نیز اسلام‌گرایان برای مقاومت در برابر نظام شوروی، سلاح به دست گرفتند. شوروی هرگز نتوانست اسلام را به طور کامل از منطقه حذف کند. مساجد زیرزمینی و مدارس دینی غیررسمی در برابر حمله نظام کمونیستی به اسلام، تاب آوردند. در نتیجه، در دوره پروسترویکا (بازسازی) که در میانه دهه ۸۰ آغاز شد، محیط فکری در مناطقی از آسیای مرکزی کاملاً آماده نوزایی اسلامی بود.

۵- حمایت‌های خارجی

در ادامه به دو مورد پاکستان و عربستان اشاره خواهد شد:

۵-۱ پاکستان: بعد از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی، ضیاءالحق رهبر پیشین پاکستان، به ضرورت عمق راهبردی در آسیای مرکزی اهمیت بیش‌تری داد. برخی از پاکستانی‌ها مدتی بر این باور بودند که احیای اسلام در آسیای مرکزی و جنگ داخلی در تاجیکستان بساط دولت‌های کنونی در آسیای مرکزی را بر خواهد چید؛ بنابراین ارتش پاکستان فعالیت‌های مضاعفی در جهت ایجاد یک حکومت پشتون در افغانستان به عمل آورد؛ با این امید که حکومت جدید بتواند زمینه مساعد را برای دسترسی آسان و انحصار پاکستان به آسیای مرکزی فراهم کنند. با این حال اگرچه پاکستان بر بعد اقتصادی روابط خود با کشورهای آسیای مرکزی اهمیت می‌دهد، ولی مسائل استراتژیک و سیاسی نیز از نظر رهبران این کشور دور نمانده است؛ بدین لحاظ پاکستان آشکارا تلاش کرده کشورهای عضو اکو به عنوان نیروی متعادل‌کننده در مقابل هندوستان و حامی این کشور در قبال منازعه کشمیر مطرح نماید؛ ولی در آنجا که اولویت‌های این جمهوری‌ها در سیاست خارجی خود ثبات سیاسی و حل بحران‌های اقتصادی آن‌ها است، بنابراین کشورهای آسیای مرکزی حاضر نیستند که روابط سودمند خود را با هندوستان به خطر اندازند؛ زیرا هند نیز با جمهوری‌های آسیای مرکزی روابط تجاری قابل توجهی دارد؛ پاکستان افزون بر نیاز به انرژی آسیای مرکزی، به امکان قرارگیری در مسیر انتقال نفت و گاز این منطقه به بازارهای جهانی و ترانزیت کالا امیدوار است؛ این موضوع

پاکستان را در رقابت با کشورهای منطقه قرار داده و لذا می‌کوشد تا حضوری فعال از خود نشان دهد.

۲-۵ عربستان: بهره‌گیری ریاض از فضای بکر فرهنگی منطقه آسیای مرکزی چشم‌گیر است. در میان این اقلیم‌ها و مناطق سوق‌الجیشی، حوزه قفقاز و آسیای مرکزی در نگاه کارگزاران وهابیت اهمیت شایانی یافته، چنان‌که از گزارش ناظران منطقه برمی‌آید، ریاض در آن گروه از بازی گرانی قرار گرفت که کوشید از فضای بکر فرهنگی این منطقه سهم ببرد. البته سعودی‌ها در این گروه‌بندی تنها نبودند؛ دو نهاد واتیکان و سازمان جهانی یهود نیز با تأسیس دفاتر و یا در پوشش انجمن‌های خیریه، تلاش زیادی را برای ترویج ایدئولوژی خویش به عمل آورد. این مسئله نه تنها غربی‌ها و امریکا بلکه رهبران سیاسی منطقه را نیز نگران نموده است. به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان، عامل محرک بسیار مهمی بود که به گروه‌های افراطی در آسیای مرکزی جان تازه‌ای بخشید. مجاهدین رادیکال افغانستان، وهابی‌های عربستان و دیگر گروه‌های اسلام‌گرا از پاکستان و ترکیه و دیگر کشورها به سمت مناطق مسلمان‌نشین شوروی سابق حرکت کردند. عربستان، به‌منظور جذب مسلمانان روسیه و جمهوری‌های سابق شوروی به افکار سلفی و وهابی، مبلغان زیادی را به این منطقه اعزام کرد. به این ترتیب ظهور و گسترش وهابیت نه تنها در تمام کشورهای منطقه، بلکه در روسیه نیز مشاهده شد (بشکنی، ۱۳۹۷: ۱۲۱). از این رو، رهبران منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، بارها نگرانی خود را از تلاش وهابیت برای تحکیم مواضع خود در منطقه اعلام کرده‌اند و رسانه‌های گروهی، هرروز در مورد فعالیت‌های آنان در جمهوری تاجیکستان و ازبکستان مطالب زیادی می‌نویسند. در حقیقت می‌توان این گونه نتیجه گرفت که رشد وهابیت، پاسخ به اوضاع آشفته اقتصادی-اجتماعی کشورهای منطقه است.

۶- نقش رسانه‌ها

در خصوص جذب نیرو توسط افراطیون اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نیز نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند. داعش تلاش دارد تا افراد ساکن در آسیای مرکزی را در جهت و انتشار تصاویر و جنگ و نبرد جذب نماید. داعش همچنین با ایجاد تیپ نظامی الخنساء فیلم‌های آن در شبکه‌های اجتماعی در صدد القای این دیدگاه به زنان ساکن در منطقه آسیای مرکزی است که زنان تحت خلافت داعش قادر به حمل سلاح و توانایی دفاع از خود هستند و تلاش می‌کند از این طریق بانوان را تشویق به همکاری و حمایت از این گروه تروریستی نماید. رواج فتوای آنلاین توسط مفتی‌های سلفی و انتشار آن به زبان‌های روسی و زبان‌های رایج در آسیای مرکزی اغلب در جهت جذب افراد به داعش از سوی این گروه تروریستی مورد استفاده قرار می‌گیرد که از جمله آن می‌توان به بازنشر فتوای محمدالعرفی به زبان روسی و زبان‌های موجود در منطقه آسیای مرکزی اشاره کرد. همچنین در شبکه اجتماعی روس زبان اُدنا کالاسینکی که مورد استفاده مردم مناطق مختلفی از ازبکستان، تاجیکستان، روسیه، قزاقستان و قرقیزستان است در حال انتشار تفسیری انحرافی و بر مبنای خوانش‌های سلیقه‌ای از جهاد است و تلاش دارد تا این‌گونه القا نماید که الگوی مبارزه با دنیای غرب و جهان تشیع است (ر.ک دهشیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۰-۴۸).

پیامدهای تقویت افراط‌گرایی در آسیای مرکزی

در ادامه به پیامدهای تقویت افراط‌گرایی در آسیای مرکزی اشاره خواهد شد:

۱- حضور افراط‌گرایان در آسیای مرکزی و نگرانی از بازگشت آنها به کشور

خود

رسانه‌های اجتماعی پل ارتباطی مناسبی بین مبدأ و مقصد در بحث جذب نیرو برقرار می‌کنند. شبکه‌های جذب نیرو در آسیای مرکزی کوچک و سری بوده و بعضاً به سطح گروه‌های مذهبی کشیده می‌شود. هیچ‌کس در گروه‌های مذهبی از فعالیت‌های دیگر اعضا در ارتباط با سوریه

مطلع نیست. گروه‌هایی همچون حزب التحریر نقش ثانوی در افراطی شدن زنان و مردان ایفا می‌کنند. این قبیل گروه‌ها ظاهراً به‌طور مستقیم درگیر جذب نیرو و اعزام آن‌ها به سوریه نیستند، اما ناخواسته به امر جذب نیرو کمک می‌کنند. بازگشت افراد افراطی از سوریه نگرانی جدی امنیتی در آسیای مرکزی ایجاد کرده است. خطرات در این منطقه مشابه هم است و تشبیه یکدست همه افراد مهاجرت کرده به مناطق تحت کنترل داعش به بازگشتی‌های خطرناک به مفهوم عدم درک انگیزه‌های این افراد برای ترک وطن است. بسیاری از افراطیون به‌واسطه الزامات و تعهدات ایدئولوژیکی به داعش که در حال حاضر متمرکز بر عراق و سوریه هستند، نمی‌خواهند بازگردند. کشورهای آسیای مرکزی بر این نظرند که به‌اصطلاح جهادی‌های آموزش‌دیده در سوریه قصد تأسیس خلافت اسلامی در این منطقه را دارند. این امر مباحث امنیتی جدیدی ایجاد و زمینه را برای قوانین سخت‌گیرانه‌تر علیه فعالیت‌های مذهبی فراهم می‌کند. قوانین سخت‌گیرانه ممکن است نتیجه عکس داشته باشد. این امر همچنین ممکن است دولت‌ها و رسانه‌های این منطقه را به سمت تحلیل اینک افراطی‌گری و خشونت افراطی محصول نیروهای بیگانه یا حتی توطئه جهانی است، سوق دهد. بازگشت به‌اصطلاح جهادی‌ها یک خطر بالقوه است و نه یک تهدید فوری. افراد افراطی که از خواب غفلت در سوریه بیدار شده‌اند، نیازمند بازپروری هستند، اما این افراد جرئت بازگشت به کشورشان را ندارند. بازنگشتن این افراد ناشی از نبود تلاش‌های واقعی بازپروری و بی‌اعتمادی به افسران پلیس در کشورهای آسیای مرکزی و نگرانی از مجازات است. برعکس کشورهای آسیای مرکزی، دانمارک تلاش‌ها و برنامه‌های مؤثری را در زمینه بازپروری مبتنی بر اعتمادسازی بین مقامات و خانواده‌های جنگجویان به کار گرفته است. تجربه دولت دانمارک در زمینه بازپروری و تجارب دیگر کشورهای اروپایی در سطح اتحادیه اروپا مبادله و به اشتراک گذاشته می‌شود. اندونزی نیز موقعیت خوبی برای کمک به دولت‌های آسیای مرکزی در پاسخ به افراطی‌گری، به‌ویژه در زمینه شیوه‌های مؤثر گردآوری اطلاعات، برقراری ارتباط و بازپروری دارد. باید این نکته را در نظر داشته باشیم که ساختارهای ضعیف دولتی در آسیای مرکزی مانع از جذب و اجرای

تجارب دیگر کشورها می‌شود. تاجیکستان و قزاقستان قانونی وضع کرده‌اند که بر اساس آن شرکت در جنگ در خارج از کشور مجازات کیفری خواهد داشت. ازبکستان آموزش‌های تروریستی را از ژانویه ۲۰۱۴ منع ساخته است. مجلس قرقیزستان نیز قانون مجازات از هشت تا ۱۵ سال برای شرکت در جنگ، عملیات تروریستی، نظامی و آموزش افراط‌گرایی در خارج از کشور را تصویب کرده است. برخی کارشناسان بر این باورند که این قبیل قوانین برای منع بازگشت افراد افراطی به کشورشان وضع شده است. تردیدهایی در خصوص تمایل کشورهای آسیای مرکزی به بازپروری افرادی که از سوریه برگشته‌اند، وجود دارد. برنامه بازپروری افراطی‌هایی که داعش جذب کرده، می‌تواند مؤثر باشد، اما کشورهای آسیای مرکزی فاقد منابع لازم و اراده سیاسی برای اجرای این برنامه هستند. مقامات کشورهای آسیای مرکزی، افراط‌گری را تهدید امنیتی و براندازانه می‌دانند.

۲- افزایش فعالیت گروه‌های تروریستی در آسیای مرکزی

با حضور داعش در آسیای مرکزی فعالیت دیگر گروه‌های تروریستی نیز بیشتر شده و در صورت پیوستن آن‌ها به داعش جو تروریسم گسترش می‌یابد. نتیجه این امر ناامن‌تر شدن هر چه بیشتر منطقه آسیای مرکزی است که می‌تواند تبعات سیاسی، نظامی و اقتصادی بی‌شماری را در پی داشته باشد. کشورهای آسیای مرکزی با مشکلات زیادی از جمله فقر، بیکاری، بنیادگرایی، فساد دولت‌ها، عدم ثبات سیاسی و فرهنگی و سردرگمی هویتی مواجه هستند که حضور داعش در این منطقه بیش‌ازپیش این دولت‌ها را با چالش مواجه می‌کند و امنیت این کشورها را به خطر جدی می‌اندازد. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران نیز دارای منافع مشترکی با کشورهای منطقه است، منافع آن در آسیای مرکزی به خطر قرار می‌افتد (اسلامی و ایاز، ۱۳۹۶: ۲۴۱). بعد فرامنطقه‌ای این مسئله را می‌توان چنین بیان کرد که نگرانی بیشتر در خصوص فضای کلی امنیتی در آسیای مرکزی این است که بحران سوریه موجب تجدید حیات نهضت اسلامی ازبکستان و شاخه‌های وابسته به آن شده است. عثمان قاضی، رهبر نهضت اسلامی ازبکستان در سپتامبر ۲۰۱۴ از داعش حمایت کرد. اعضای این نهضت برای مدتی در امر جذب نیرو برای داعش در شهر

فرغانه فعال بوده‌اند. تعداد زیادی از اعضای جماعت انصارا... در تاجیکستان به واسطه جذب نیرو برای داعش در سوریه دستگیر شده‌اند. نهضت اسلامی ازبک نقش پل را برای جنگجویان آسیای مرکزی ایفا کرده است.

۳- تقویت پیوند افراط‌گرایان با یکدیگر در منطقه

اسلام‌گرایان تندرو در آسیای مرکزی، پدیده‌ای محلی نیستند. سازمان‌هایی مانند جنبش اسلامی ازبکستان و اتحادیه جهاد اسلامی نه تنها با دیگر گروه‌های اسلام‌گرای آسیای مرکزی، بلکه با اسلام‌گرایان کشورهای از قبیل روسیه، پاکستان، آلمان، فرانسه، بریتانیا، چین، ترکیه و حتی میانمار متحد شده‌اند. این گروه‌ها به انواع توانایی‌های جنگی دست یافته و قادرند انواع عملیات، از فعالیت‌های تروریستی گرفته تا نبرد چریکی و حتی جنگ منظم را انجام دهند. (صمدی، ۱۳۸۹: ۲۳). در حال حاضر فعالیت‌های ستیزه‌جویان اسلام‌گرای تندروی آسیای مرکزی در مقیاس جهانی انجام می‌شود. جنبش اسلامی ازبکستان و اتحادیه جهاد اسلامی که مقرر فعلی‌شان در وزیرستان شمالی پاکستان است، در کشورهای بسیار دورتر از منطقه خود، مانند اروپا، جنوب آسیا و ایالات متحده اقدام به تبلیغات، جذب نیرو، کسب درآمد و عملیات تروریستی می‌کنند. در نتیجه جهانی‌شدن تروریسم اسلامی، این سازمان‌ها ارتباط خود را با دیگر سازمان‌های بین‌المللی تروریستی اسلامی مانند القاعده و طالبان محکم کرده‌اند. جنبش اسلامی ازبکستان و اتحادیه جهاد اسلامی در جذب و آموزش تندروهای اسلامی از سراسر جهان متخصص گشته‌اند.

از پیامدهای نفوذ داعش در این منطقه، پیوند با افراط‌گرایان و گروه‌های تروریستی موجود در آسیای مرکزی و همچنین افغانستان و پاکستان است. از آنجایی که در این منطقه و کشورهای همسایه آن با توجه به بسترهای موجود، گروه‌های افراط‌گرای زیادی وجود دارد و این گروه‌ها آزادی عمل بیشتری نسبت به دیگر مناطق دارند، داعش در تلاش برای ایجاد پیوند با آنان و سپس جذب آنها است. از مهم‌ترین گروه‌های افراط‌گرای آسیای مرکزی شامل: حزب احیای اسلامی و حزب نهضت اسلامی (تاجیکستان)، حزب التحریر و جنبش اسلامی (در ازبکستان که

فعالترین احزاب اسلام‌گرای آسیای مرکزی هستند) و آلاش در قزاقستان است.، گروه‌های مذکور را به خود ۱ داعش نیز درصدد است که همانند جذب برخی از گروه طالبان نزدیک و جذب کند (اسلامی و ایاز، ۱۳۹۶: ۲۴۰)؛ بنابراین جذب نیرو در آسیای مرکزی برای داعش نسبت به جذب نیرو از افغانستان و پاکستان آسان‌تر است. کلید موفقیت داعش در جذب نیرو از آسیای مرکزی ناشی از ادعای جهانی آن‌ها و ایجاد خلافت اسلامی است.

جمع‌بندی

آسیای مرکزی منطقه مستعد پرورش جنگجویان خارجی است و رفع این مشکل مستلزم اصلاح ساختار پلیسی و اتخاذ نگرش مداراجویانه نسبت به دین است. کشورهای آسیای مرکزی تلاش کرده‌اند تا رشد دین را تحت کنترل داشته باشند. فقر در تمامی منطقه به جز در برخی مراکز شهری حادث شده است، به طوری که شاهد مهاجرت فزاینده از مناطق محروم منطقه به شهرهای نسبتاً ثروتمند قزاقستان و روسیه هستیم. با چنین عقبه‌ای، فراخوان داعش برای جذب پرستار، مهندس و معلم، برای برخی‌ها جذاب است. استراتژی اصلی غرب در این منطقه رسیدن به بازار آزاد و دمکراسی بوده است در حالی که این روند با دو چالش جدی مواجه بوده، در حالی که از دیدگاه غربی‌ها و اروپایی‌ها دمکراسی در اولویت نسبت به ثبات و امنیت قرار می‌گرفته در نگاه کشورهای آسیای مرکزی امنیت و ثبات نسبت به دمکراسی در اولویت بوده است. در بخش اقتصادی، ناکامی جمهوری‌های آسیای مرکزی در ایجاد سیستم نوین اقتصادی و ایجاد اقتصاد بازار آزاد و نظام سرمایه‌داری موجب برخی چالش‌ها در جمهوری‌ها شده است. از طرفی اگر بخواهیم روند تغییر تحولات اقتصادی در آسیای مرکزی را با روند تغییر تحولات سیاسی مقایسه کنیم، بایستی بگوییم حوزه روند تغییرات اقتصادی پیش‌تر از تغییرات سیاسی است و به همین دلیل است که این ناهمگونی باعث بروز انقلاب‌های رنگی در منطقه شده است. با توجه به مشکلات و مسائل متعدد داخلی در کشورهای آسیای مرکزی، احتمال بهره‌برداری جنبش‌های اسلامی از بحران‌ها و تنش‌های داخلی برای رسیدن به مقاصدشان زیاد است. بازگشت افراط‌گرایان به آسیای مرکزی دارای نتایج سیاسی مهمی است و ترس‌نخبگان این کشورها از بی‌ثباتی حاصل از خروج نیروهای ائتلاف و خلأ امنیتی ناشی از آن، کاملاً به جا است. در بعد داخلی، این رخ داد باعث تشدید کنترل دولت‌ها بر شهروندان و مقابله با رشد اسلام‌گرایی می‌شود که خود، دارای نتیجه معکوس و موجب رشد بنیادگرایی اسلامی است.

منابع

- اخوان کاظمی، مسعود؛ صادقی، سید شمس‌الدین؛ لطفی، کامران (۱۳۹۷)، تحلیل زمینه‌های سیاسی و اجتماعی حضور داعش در آسیای مرکزی (از تهدید نفوذ تا واقعیت حضور)، مطالعات اوراسیای مرکزی بهار و تابستان ۱۳۹۷، دوره یازدهم - شماره ۱، صص ۲۱-۱ اسلامی، محسن؛ ایاز، بهروز (۱۳۹۶)، بررسی علل نفوذ داعش در آسیای مرکزی و پیامدهای احتمالی آن، نشریه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۲۱، صص ۲۵۰-۲۲۵ بشکنی، غلامحسین (۱۳۹۷)، بشکنی، غلامحسین، نشریه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۷۶، صص ۱۴۲-۱۱۵
- جوان پور هروی، عزیز؛ محقق، حمید (۱۳۹۹)، عوامل مؤثر بر پیدایش و گرایش به بنیادگرایی، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۹۸-۱۶۸.
- دهشیری، محمدرضا؛ جوزانی کهن، شاهین (۱۳۹۴)، شبکه سلول‌های تروریستی داعش در آسیای مرکزی، نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۲، صص ۶۳-۲۹
- کاظمی، حجت؛ نظامی، مریم (۱۳۹۰)، زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری بحران‌های قوم‌گرایی، محلی‌گرایی و بنیادگرایی در آسیای مرکزی، مطالعات میان‌فرهنگی بهار ۱۳۹۰ - شماره ۱۴، صص ۱۳۸-۱۱۱
- / نفوذ سلفیت جهادی و <https://www.farsnews.ir/news/13921120000089>
دردسرهای جدید برای کشورهای منطقه
- https://www.aftabir.com/articles/view/politics/diplomacy/c1c1272089152_iran_p1.php آسیب‌شناسی سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی